

مقدمه

در میان مسلمانان، اغلب مورخان قدیم و نیز در ایران، اکثر محققان تاریخ در دوران جدید، دهه‌های متمادی از زندگی علمی خود را صرف تحقیق در تاریخ و تاریخ‌نویسی کرده‌اند بدون این که به گونه‌ای مستقل به این سؤال اساسی که «چگونه تاریخ می‌نویسند» و یا این که «تاریخ‌نویسی آنها مبتنی بر چه اصول و روش‌هایی است»، پرداخته باشند. به همین جهت است که بسیاری از مورخان و محققان، ده‌ها تألیف به‌جا گذاشته‌اند، اما حتی یک رساله کوچک یا مختصر در شرح روش تحقیق یا شیوه تاریخ‌نویسی از آن‌ها باقی نمانده است. از میان مورخان مسلمان در قرون گذشته، شاید بتوان یک مورخ را از این قاعده استثنا کرد: ابن خلدون. وی پیش از پرداختن به تألیف تاریخ العبر، به نگاشتن مقدمه‌ای همت کرد که چون از شهرت جهانی برخوردار است، لزومی به توجه دادن به آن نیست جز این که بدین اشاره اجمالی اکتفا کنیم که وی بعد از دیباچه اثر مزبور، مقدمه اول را به «فضیلت دانش تاریخ و تحقیق روشهای آن» اختصاص داده و در سطر نخست به صراحت و قاطعیت چنین بیان داشته است: «باید دانست که فن تاریخ‌نویسی را روشی است که هر کس بدان دست نیابد...»^۱

ابن خلدون در ادامه این عبارت به طور مشروح به تبیین دیدگاه خود در باب تاریخ و

۱. عبدالرحمن بن خلدون، مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران: ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۱۳.

روش تحقیق در آن پرداخته و با نقد صرفاً نقلی انگاشتن تاریخ تلاش کرده تا در تاریخ به عنوان علمی نقلی، عقلانیت را دخیل ساخته و راه را برای ارتقاء تاریخ از مرتبه علوم نقلی به مرتبه علوم عقلی هموار نماید. راهی که ابن خلدون مبتکرانه گشوده بود، متأسفانه بی‌رهر و ماند، چنان که در قرون بعد، نه تنها اثری هم‌وزن آن پدید نیامد که اصولاً غالب مورخان اعتنایی به اندیشیدن در باب اصول و ضوابط علم تاریخ و تاریخ‌نویسی از خود نشان ندادند؛ تا این که از سده گذشته بدین سو برخورد جوامع مسلمان با دنیای مغرب زمین به تدریج موجب بیداری و هوشیاری ملت‌های مسلمان شد. این بیداری چندان دیرنگام بود که مسلمانان در هیچ زمینه‌ای قادر به نوآوری و ابتکار عمل نبودند و لاجرم راه تقلید در پیش گرفتند. بدین صورت، راه برای اقتباس و تقلید از شئون مادی و معنوی مدنیت جدید غربی در کشورهای اسلامی هموار شد.

در ایران - به ویژه از دوران ناصری - تأسی به دستاوردهای غربیان به‌ویژه دانش و فنون آنان نمود بیشتری یافت. روشنفکران این عصر با الهام از تمدن پیشرفته غرب، به نقد همه جانبه جامعه سنتی ایران پرداختند.

برای مدتی حرکتی یکنواخت ادامه داشت تا آن که از اوایل دوران پهلوی اول، ابتدا مشیرالدوله و کسروی و سپس اقبال و یاسمی با فاصله گرفتن از تاریخ‌نویسی به سبک قدیم، گام در مرز تاریخ‌نویسی جدید گذاشتند. این روند با آفت و خیز ادامه یافت و به مرور کسانی با گرایش‌های مختلف فکری، به پدید آوردن آثار نو در تاریخ روی آورده و در این راه توفیقاتی هم به دست آوردند.

اگر بتوانیم تاریخ‌نویسی را به قله‌ای رفیع تشبیه کنیم و تاریخ‌نویسان را رهروان این قله بپنداریم، آن‌گاه در خواهیم یافت که به جز چند مورد، کثیری از تاریخ‌نویسان، حتی بعد از سالها تاریخ‌نویسی هنوز در دامنه‌های قله طی طریق می‌کنند. این نیست مگر فقدان یکی از دو شرط اساسی تاریخ‌نویسی؛ اول داشتن قریحه و دیگر رعایت ضابطه خاص یا آن چه که از آن به عنوان «روش تحقیق تاریخ» یاد می‌کنند.^۱

هر اندازه «قریحه»، امری ذاتی و غیراکتسابی است، «ضابطه» امری است اکتسابی و آموختنی. با این حال محققان تاریخ در ایران، جز افرادی انگشت‌شمار، هیچ‌گاه پیرامون اصول و ضوابط تاریخ‌نویسی نیندیشیده و چیزی نیز به قلم نیاورده‌اند. آن‌ها حتی از تمام دشواری‌ها و لذت‌های حرفه خویش با ما سخن نگفته‌اند، در حالی که اگر چنین

۱. برای آگاهی بیشتر در این خصوص ر. ک: عبدالحسین زرین‌کوب، تاریخ در ترازو، امیرکبیر، تهران: ۱۳۶۲، ص

می‌کردند به تعبیر مرحوم زرین‌کوب «از آن‌ها تجربه تاریخ‌نویسی حاصل می‌شد.»^۱ این که جریان تاریخ‌نویسی در ایران، دست‌کم همپای دیگر رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی رشد نکرده، تا حد زیادی به دلیل غفلت از توجه لازم به اصول و ضوابط تاریخ‌نویسی جدید بوده است. هنوز در زبان فارسی اثری مستقل در روش‌شناسی علم تاریخ اعم از تألیف یا ترجمه منتشر نشده است. در حالی که در رشته‌های جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، جغرافیا و اقتصاد، آثار مستقل و متعددی در باب روش‌شناسی این علوم منتشر شده است.

آیا نمی‌توان اذعان کرد که تاریخ‌نگاری در ایران دوران جدید با نوعی آشفتگی مواجه بوده است؟ بدین معنا که محققان تاریخ نه می‌توانسته‌اند همانند اسلاف خود به سبک سنتی به تاریخ‌نویسی بپردازند و نه قادر بوده‌اند همانند مورخان غربی مطابق با اصول و ضوابط تاریخ‌نگاری جدید به تحقیق در باب تاریخ بپردازند؟! به همین جهت است که هنوز آثاری که مستشرقان و ایران‌شناسان غربی در باب تاریخ ایران از دوره باستان تا دوران معاصر می‌نویسند، گاه از چنان اعتبار علمی برخوردارند که ترجمه و انتشار آن‌ها در ایران، با تمجید و تحسین اهل تاریخ مواجه می‌شود.

از این مقدمه مختصر شاید بتوان به این نتیجه رسید که اهل تاریخ در ایران با یک معضل بسیار جدی مواجه بوده است. رشد ناچیز دانش تاریخ و به تبع آن تاریخ‌نویسی نحیف در این سرزمین، معلول کم‌توجهی به مقوله روش‌شناسی علم تاریخ و نیز نپرداختن به اصول و ضوابط تاریخ‌نویسی جدید بوده است. برای اثبات این نظر کافی است ادبیات مربوط به «روش تحقیق در تاریخ»، مورد واریسی قرار گیرد. در کارنامه این ادبیات؛ در طول نیم قرن، تنها سه کتاب و دو مقاله یافت می‌شود.^۲

آدمیت و مسأله «روش» در تاریخ‌نگاری^۳

آدمیت از معدود مورخان جدید ایران است که از همان ابتدای کار تاریخ‌نگاری به

۱. زرین‌کوب، همان، ص ۱۵۹.

۲. برای آگاهی بیشتر در این زمینه نگاه کنید به: نصرالله صالحی، کتاب‌شناسی «روش تحقیق در تاریخ»، فصلنامه پژوهش و حوزه، ص ۴، ش ۱ و ۲، بهار و تابستان ۱۳۸۲، ص ۳۵۸-۳۸۶.

۳. گزارنده در ص ۸۲ بنا به پیشنهاد دوست فاضل، آقای جمعیان که درصدد بود یک شماره از فصلنامه پژوهش و حوزه را «ویژه روش‌های پژوهش در تاریخ» منتشر کند، مقاله‌ای با عنوان کتاب‌شناسی «روش تحقیق در تاریخ» تألیف نمود که البته بعد از حذف قسمت مربوط به دکتر فریدون آدمیت، بقیه مقاله به چاپ رسید. اکنون بعد از درگذشت آن دانشمند فاضل، مناسب دیده شد که با آن بزرگ‌مرد عرصه تاریخ و تاریخ‌نگاری، قسمت یاد شده را در یادنامه‌ای که به همت آقای دهشانی برای دکتر آدمیت فراهم گردیده، منتشر سازم. از لطف ایشان سپاسگزارم.

مسئله روش‌شناسی توجه خاص نشان داده است. وی در چند جای مختلف به مسئله «روش» در تاریخ‌نگاری به طور مستقل پرداخته است. نوشتار حاضر می‌کوشد تا در حد ممکن مسئله روش‌شناسی علم تاریخ را از دید آدمیت نشان دهد.

فریدون آدمیت (متولد ۱۲۹۹ ش) درست زمانی که هنوز بیش از ۱۷ سال نداشت و تازه دوره اول متوسطه را به پایان برده بود، نخستین جرقه پرداختن به تاریخ، در ذهن‌اش زده شد. دو عامل باعث گردید که وی از تابستان ۱۳۱۶ به فکر تحقیق پیرامون زندگی «مرد نامدار» ایران یعنی امیرکبیر برآید. یکی مطالعه نوشته‌های «رادمرد بزرگوار آقای کاظم‌زاده ایرانشهر» به ویژه مطالعه فهرست «سرآمدان ایران» در آن مجله و دیگر مطالعه کتاب منتشر نشده‌ای از محمود محمود با عنوان «تربیت ایرانی برای جامعه ایرانی»؛ علاوه بر این دو عامل، یک انگیزه میهنی و ضد بیگانه نیز او را در گام برداشتن در این راه راسخ ساخت و آن مقابله با دشمنان حیات و استقلال ایران که همیشه می‌خواستند «ایران و ایرانی را تحقیر کنند و از نمایاندن هر بارقه‌ای که نشانه حیات ایران است تحاشی جویند.»^۱

آدمیت تحت تأثیر انگیزه و عوامل مزبور از تابستان ۱۳۱۶ کار خود را با جمع‌آوری اسناد و مدارک اصیل از هر گوشه و کنار آغاز کرد و در این راه کمک‌های شایان محمود محمود، عباس اقبال و جمال‌زاده و کسان دیگر بهره فراوان برد. حاصل تلاش چند ساله وی در سال ۱۳۲۱ با دفاع از پایان‌نامه خود تحت عنوان زندگی سیاسی امیرکبیر در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران به ثمر نشست.^۲ بعد از دفاع، پایان‌نامه را رها نکرد و با دو سال کار مداوم دیگر بر روی آن در نهایت در سال ۱۳۲۳ یعنی در زمانی که بیست و چهار سال بیشتر از عمرش نمی‌گذشت؛ پایان‌نامه را با عنوان امیرکبیر و ایران یا ورقی از تاریخ سیاسی ایران که حاوی مقدمه‌ای مفصل از محمود محمود بود، در سه جلد منتشر کرد. وی از سال ۱۳۲۳ تا ۱۳۷۵ که آخرین اثر خود را با عنوان «تاریخ فکر از سومر تا یونان و روم» منتشر ساخت؛ در طول ۵۲ سال، ده اثر مستقل در تاریخ ایران عصر قاجار و مشروطه؛ یک اثر در تاریخ فکر؛ یک کتابچه با عنوان آشفستگی در فکر تاریخی و یک مقاله با عنوان «انحطاط تاریخ‌نگاری در ایران» منتشر ساخت.

آدمیت در اکثر آثار خود در کنار عرضه تحقیقات تاریخی، از اشاره به روش خود در

۱. رک: فریدون آدمیت، امیرکبیر و ایران یا ورقی از تاریخ سیاسی ایران، چاپخانه پیمان، چاپ اول، تهران،

۱۳۲۳، ص ۱۷

۲. علی دهباشی، دکتر فریدون آدمیت (سال‌شمار زندگی)، کلک، دی ۱۳۷۶، شماره ۹۴، ص ۳.

تحقیق تاریخ، غافل نبوده است. منتها در بعضی آثار به صورت گذرا و پراکنده سخن گفته، و در برخی دیگر به گونه‌ای مستقل و منسجم به این مقوله پرداخته است. از جمله در این آثار: ۱. در پیشگفتار کتاب اندیشه‌های میرزا آقاخان کرمانی، (تهران، ۱۳۴۶)؛ ۲. در مقاله انحطاط تاریخ‌نگاری در ایران، (تهران، ۱۳۴۶)؛ ۳. در مقدمه چاپ سوم کتاب امیرکبیر و ایران، (تهران، ۱۳۴۸)؛ ۴. در کتابچه آشنایی در فکر تاریخی، (تهران، ۱۳۶۰)؛ ۵. در کتاب شورش بر امتیازنامهٔ رژی، (تهران، ۱۳۶۰)؛ ۶. در ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران^۱ (جلد دوم)، (تهران، ۱۳۷۰)؛ ۷. در تاریخ فکر از سومر تا یونان و روم، (تهران، ۱۳۷۵).

به دیدگاه آدمیت در باب روش تحقیق در تاریخ، نمی‌توان پرداخت مگر آن‌که پیش از آن وجه نظر او را در باب سیر تاریخ‌نگاری، هر چند به اجمال دانست. از دید آدمیت تاریخ‌نگاری در ایران دوران اسلامی دو دوره کاملاً مشخص داشته است: نخست از قرن سوم تا هشتم که فن تاریخ شاهد پیشرفت‌های شگرفی بود و دورهٔ دوم که از قرن هشتم تا سیزدهم را شامل می‌شود، فن تاریخ همچون رشته‌های دیگر دانش و هنر به پستی گرائید.^۲

آدمیت در مقاله‌ای که در سال ۱۳۴۶ منتشر نمود، نوشت: انحطاط تاریخ‌نگاری در ایران علی‌رغم آشنایی یکصد و پنجاه سالهٔ ایرانیان با دانش و مدنیت جدید غربی، هنوز کماکان ادامه یافته به گونه‌ای که در این دوران ۱۵۰ ساله «فن تاریخ پیشرفت منظمی نکرده است، و معدل کارنامهٔ مورخان ما بی‌مقدار است.»^۳

آدمیت در مقاله «انحطاط تاریخ‌نگاری در ایران» با نظری دقیق و موشکافانه بر نقایص و عیوب تاریخ‌نویسی عصر و زمانهٔ خود انگشت می‌گذارد و می‌نویسد: «نه تنها از نظر روش علمی تحقیق تاریخ نقص‌های عمده و اساسی وجود دارد، بلکه با مسائل تاریخ‌نگاری جدید، و اسلوب نقد رشته‌های مختلف تاریخ و نظرگاه‌های گوناگون تفکر تاریخی آشنایی درستی وجود ندارد.»^۴

۱. آدمیت قسمت دیباچهٔ ایدئولوژی نهضت مشروطیت و بحث در سنجش منابع را با چند نکته دیگر به صورت یکجا در مقاله‌ای با عنوان «در تفکر تاریخی و روش تحقیق» آورده‌اند. ایشان در همان سطور نخست مقاله می‌نویسند: «هیچوقت محالی نیافتم که اثر مستقلی در موضوع تاریخ، مسائل آن و مقولات فلسفه تاریخ بنویسم. اما در مجموع آثارم، دست‌کم دربارهٔ برخی از مهمترین مسائل تاریخ‌نویسی مدرن، و همچنین فلسفه سیاسی کلاسیک و جدید، گاه به اجمال و گاه به تفصیل، سخن گفته‌ام.» رک: کلک، دی ۱۳۷۶، شماره ۹۴، ص ۲۳۵.

۲. آدمیت، انحطاط تاریخ‌نگاری در ایران، مجلهٔ سخن، فروردین ۱۳۴۶، دوره ۱۷، شماره ۱، ص ۱۹.

۳. همان، ص ۱۷.

۴. همان.

از دید آدمیت بر تاریخ‌نگاری رایج و متداول در ایران پنج عیب و نقص عمده مترتب است:

۱. بهترین تواریخی که نگاشته‌اند به حد واقعه‌یابی ختم می‌گردد و اکثر نویسندگان در مواردی که به مرز تحلیل تاریخی رسیده باشند همان جا متوقف شده‌اند... در حالی که مورخ متفکر با شمّ تاریخی خود می‌تواند به واقعه‌ها جان بخشد و تاریخ بامعنی به وجود آورد.

۲. رشته‌های مختلف تاریخ و روش علمی نقد و مطالعه هر کدام به درستی شناخته نگردیده است. در مباحث تاریخ اقتصادی و اجتماعی و دیپلماسی و تاریخ فکر بسیار فقیر هستیم.

۳. به طبقه‌بندی منابع تاریخ و ارزشیابی هر کدام توجه لازم مبذول نمی‌گردد... هنوز به درستی ندانسته‌اند که منابع مطالعه هر کدام از شعبه‌های تاریخ فرق می‌کند.

۴. مورخان در حکم‌های تاریخی ناستجیدگی‌ها از خود بروز می‌دهند و به قیاس‌های بی‌جا دست می‌زنند... در حالی که باید توصیف‌های زیبا و خیال‌انگیز شاعرانه را کنار گذاشت و در بحث و تحلیل‌ها همان دقتی را که دانشمند فیزیک در لابراتوار خود دارد، داشت.

۵. اکثر مورخان ما با جامعه‌شناسی تاریخ و فلسفه تاریخ آشنایی ندارند.^۱

آدمیت با شناخت درست و عمیقی که از همان آغاز از نواقص و عیوب تاریخ‌نگاری در ایران داشت، در تک‌نگاری‌های خود ضمن آن که تلاش نمود تا دانش و معرفت تاریخی را تا حد امکان ارتقاء دهد، از ترقی دادن فن تاریخ‌نویسی نیز غافل نبود. او در آثار خود برای رفع هر یک از نواقص برشمرده شده در مقام چاره‌اندیشی برمی‌آید و روش خود را که روشی علمی در تاریخ‌نگاری جدید، به عنوان روش معیار مطرح می‌سازد. اگر بخواهیم از روش آدمیت در تحقیق تاریخ و تاریخ‌نگاری در چند محور اصلی و اساسی سخن بگوئیم باید به این محورها اشاره کنیم.

۱. تقسیم علم تاریخ به شاخه‌های (گاه از واژه رشته‌ها و شعبه‌ها هم استفاده کرده است) مختلف و تأکید بر این که تحقیق در هر یک از شاخه‌های مختلف علم تاریخ فوت و فن و لیم (تکنیک) خاص دارد.^۲ در جایی می‌نویسد: «تاریخ یکی از رشته‌های دانش است و شعبه‌های گوناگون دارد. هر کس بخواهد (خواه ایرانی خواه فرنگی) اثر ابتکاری اصیل معتبری به وجود آورد، واجب است روش صحیح هر شعبه تاریخ را مثل هر رشته

۲. آدمیت، اندیشه‌های میرزا آقاخان کرمانی، ص ۶.

۱. همان، ص ۲۷ - ۲۵.

شورش بر امتیاز نامهٔ دژی

تحلیل سیاسی

نوشتهٔ

فریدون آدمیت

۳۶۸

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



انتشارات پیام

تهران، ۱۳۶۰

دیگر دانش امروزی به طور منظم بیاموزد و در کار مطالعات خویش به کار بندد.^۱ آدمیت، خود در چند شعبه علم تاریخ از جمله تاریخ سیاسی، تاریخ دیپلماسی و تاریخ فکر با اسلوب خاصی که مبتنی بر روش‌های تاریخ نویسی جدید بوده با احاطه‌ای بی نظیر به تحقیق پرداخته است. در مقدمه امیرکبیر و ایران و نیز ایدئولوژی نهضت مشروطه از روش تحقیق در تاریخ دیپلماسی^۲ و در مقدمه کتاب اندیشه‌های میرزا آقاخان کرمانی از روش تحقیق در تاریخ فکر به تفصیل سخن گفته است.

۲. تأکید بر شناخت درست ارزش و جایگاه هر یک از اقسام منابع و اسناد و مدارک و بهره‌گیری صحیح از آن‌ها در هر یک از شاخه‌های مختلف علم تاریخ. این قاعده به مثابه اصل استواری است که آدمیت، از ابتدای تاریخ نویسی خود به آن سخت وفادار بوده و تا حد افراط بر آن تأکید ورزیده است. از دید او «یک مدرک تاریخی می‌تواند برای بررسی قضیه یا مطلبی معتبر باشد، و همان نوشته در مقوله دیگر بکلی نامعتبر».^۳ در مقدمه کتاب ایدئولوژی نهضت مشروطیت (ج ۲) با نکته‌سنجی و موشکافی درخور تحسین به ارزیابی میزان کارآیی اسناد و مدارک رسمی، گزارش‌های مأموران خارجی، متن مذاکرات کابینه دولت‌ها، دستورنامه نمایندگان سیاسی و... در نوشتن تاریخ روابط دیپلماسی پرداخته است. وسواس و دقت نظر آدمیت در استفاده بجا و صحیح از منابع در نوشتن تاریخ سیاسی تا به حدی است که حتی به آثار مربوط به مشروطه احمد کسروی علی‌رغم این که از او به عنوان دانشمند فقید یاد می‌کند، استناد می‌جوید، و هر دو اثر را (تاریخ مشروطه و تاریخ هیجده ساله آذربایجان) را به عنوان مأخذ درجه دوم کنار می‌گذارد.^۴

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱. آدمیت، اندیشه ترقی و حکومت قانون، عصر سیهسالار، خوارزمی، تهران، ۲۵۳۶، ص ۵۰۱

۲. در مقدمه چاپ سوم کتاب امیرکبیر و ایران که با تجدیدنظر و اضافات منتشر نموده نوشته است: «در این نگارش جدید که در هیأت مجموع کتاب تجدیدنظر نمودم، چند گفتار نو در فلسفه حکومت و فن دیپلماسی افزوده شد. در مبحث سیاست خارجی و کنفرانس ارزنة الروم... تکلیک تاریخ دیپلماسی به کار رفته است. از آن جا که روش علمی این رشته تاریخ در ایران شناخته نشده است. شاید آن مبحث برای دانش‌پژوهان این فن بی‌فایده نباشد» ص ۵.

۳. آدمیت، ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران، جلد دوم: مجلس اول و بحران آزادی، انتشارات روشنگران، تهران، ۱۳۷۰، ص ۱۵.

۴. همانا، استناد فریدون آدمیت، کلک، دی ۱۳۷۶، شماره ۹۲، ص ۱۴. آدمیت در معرفی اجمالی منابع مورد استفاده در کتاب امیرکبیر و ایران می‌نویسد: «بنیان این تصنیف بر مدارک اصیل تاریخ نهاده شده است. اما هیچ مأخذی را چشم‌پسته نپذیرفتم، همه جا ذهن مقوم و انتقادی را رهنمون کار خویش قرار دادم. مأخذ درجه دوم را (از خطی و چاپی، و فارسی و فرنگی) نیز خواندم، اگر چیزی مورد تأیید نوشته‌های اصیل بود پذیرفتم، وگرنه نامعتبر شمردم» ص ۵ و ۶.

ارزش و اعتبار اسناد و مدارک اصیل در نزد آدمیت تا بدان حد است که «تاریخی که بر پایه اسناد و مدارک اصلی و دقت در معانی آن‌ها بنا نشده باشد، تاریخ نیست.»^۱ البته این بدان معنا نیز نیست که تمام اهتمام مورخ، مصروف گردآوری انبوه اسناد و مدارک مربوط به یک واقعه و «سروهم بنده» کردن آن‌ها باشد، چرا که «تاریخ نویسی غیر از فن نقالی است. ریز وقایع در دل حوادث عمده جای دارند. نیازی هم به درازنفسی و انباشتن انبوه یادداشت‌های مربوط و نامربوط به روی هم نیست.»^۲ همچنین با وصله پینه کردن دو سند مهجور تاریخی نمی‌توان سیاست خارجی کشوری را نوشت.^۳

آدمیت در استفاده از منابع و اسناد نقادانه عمل می‌کند، هیچ سند و مدرکی بدون عبور از تیغ تیز منطق ریاضی‌گونه او که حاصل ذهن نقاد و سختگیرانه وی است وارد قلمرو پژوهش تاریخی نمی‌شود، تحقیق تاریخ از دید او عرصه نقل و قول این و آن نیست، سرهم کردن رطب و یابس شأن تاریخ‌نگار نیست. مورخ هر چند با رنج و مشقت، باید حقیقت تاریخی را از سرچشمه بگیرد و گرنه راهی به حقیقت نخواهد برد.

شاید بتوان از دو اصل و قاعده‌ای که بدان پرداختیم به این نتیجه رسید که مطابق دیدگاه آدمیت، اهم لوازم و شرایط اولیه برای تاریخ نویسی دو چیز است: یکی «خبرگی در شناخت منابع [و] سلسله مراتب آن‌ها» و دیگر آن که «آشنایی با روش تحقیق رشته‌های مختلف تاریخ لازم است تا اسناد و مدارک را در هر مقوله‌ای درست به کار گیریم.»^۴

۳. آدمیت با بیان این عبارت که در تاریخ نویسی جدید، عنصر اصلی «تفکر تاریخی» است،^۵ اصل مهم دیگری را به دو اصل پیشین می‌افزاید. وی در چند جا، جسته و گریخته به منظور خود از تعبیر «تفکر تاریخی» اشاره کرده است. از جمله در جایی می‌نویسد: کار مورخ صرفاً واقعه‌یابی نیست هر چند واقعیات ماده تاریخ است. ولی از آن مهم‌تر یافتن رابطه میان واقعیات است تا بتوان از مجموع آن‌ها نتیجه‌گیری کرد و براساس آن سیر تاریخ را روشن نمود و به تعبیری به درک جریان تاریخ دست یافت. پس «مورخی که کارش به ثبت وقایع و واقعه‌یابی محدود گردد اثر مرده‌ای می‌سازد که هیچ نتیجه‌ای بر آن مترتب نیست، مورخ متفکر با شمّ تاریخی خود می‌تواند به واقعه‌ها جان بخشد و

۱. آدمیت، ایدئولوژی نهضت مشروطیت، ج ۲، ص ۱۴ و ۱۵.

۲. همان.

۳. آدمیت، ایدئولوژی نهضت مشروطیت، (ج ۲)، ص ۱۵.

۴. همان، ص ۱۴.

تاریخ با معنی به وجود آورد.^۱

۴. اصل دیگری که آدمیت در تاریخ‌نویسی، خود را بدان سخت مقید نشان داده، تبعیت از «روش تحلیلی و انتقادی» است. در مقدمه کتاب اندیشه ترقی می‌نویسد: «روش من تحلیلی است. آن شیوه آزموده در پژوهش تاریخ - از دیدگاه متفکران تاریخ و صاحب‌نظران دانش سیاسی و اجتماعی ممتاز شمرده شده و مورد اعتبار است.»^۲ آدمیت در مقدمه امیرکبیر و ایران در بسط بیشتر این روش می‌نویسد: «روش من تحلیلی و انتقادی است، در واقعه‌یابی نهایت تقید را دارم که هر قضیه تاریخی را تا اندازه‌ای مقدور بوده است همه جانبه عرضه بدارم. حقیقتی را پوشیده نداشتم از آن که کتمان حقیقت تاریخ عین تحریف تاریخ است... ولی در تحلیل تاریخ مختارم و استقلال رأی دارم، آن جهتی از تفکر مرا می‌نماید.»^۳ از این عبارت و اشارت دیگر آدمیت می‌توان چند جنبه برجسته روش تحلیلی و انتقادی را این‌گونه بیان کرد.

* تلاش برای واقعه‌یابی - از خلال اسناد و مدارک اصیل - تا سرحد امکان

* عرضه واقعه از جنبه‌های مختلف

* نشان دادن چگونگی وقوع واقعه به درستی

* سنجش رابطه منطقی واقعه در توالی وقایع

* یافتن چرایی وقوع واقعه با توسل به اصل علت و معلول

* تحلیل و تفسیر واقعه از جمیع جهات و آشکار ساختن حقیقت.

آدمیت روش «تحلیلی و انتقادی» را در بررسی دهها واقعه تاریخی مربوط به دوران قاجار و مشروطه با نهایت دقت به کار بسته و بسیاری از نقاط ناروشن و تحریف شده تاریخ ایران را پرتویی از روشنایی بخشیده و از عهده رسالت تاریخ‌نویسی که کشف حقیقت و قابل درک و فهم ساختن گذشته است، به خوبی برآمده است.

در پایان بحث حاضر می‌توان به این نکته اشاره کرد که اگر آدمیت حتی در هیچ یک از آثارش به روش تحقیق خود در تاریخ نپرداخته بود باز هم پژوهش‌های عمیق و روشمند او که حاصل آن انتشار آثاری است به غایت بکر و ناب، کافی بود که هر محقق را به دریافتن روش او در تاریخ‌نگاری کنجکاو و علاقمند سازد تا در پژوهش‌های تاریخی همانند آدمیت شتاب نورزد، عمیق بیندیشد، عمق هر قضیه تاریخی را بشکافد، و اگر به حقیقت رسید؛ با صداقت علمی و شجاعت اخلاقی آن را بنویسد و بگوید تا بنای

۱. آدمیت، انحطاط تاریخ‌نگاری در ایران، ص ۲۶. ۲. آدمیت، اندیشه ترقی، ص ۷ و ۸.

۳. آدمیت، امیرکبیر و ایران، ص ۶.

تاریخی که او می‌سازد راست و درست و استوار جلوه کند. تنها در این صورت است که حاصل تحقیق با گذشت زمان نه تنها رنگ کهنگی نمی‌گیرد که الگو و سرمشق دیگران نیز می‌شود. چنان که کم نیستند تاریخ پژوهانی که در این مرز و بوم خود را شاگرد مکتب آدمیت می‌دانند و بر تأثیرپذیری از او مباهات می‌کنند. و البته بوده و هستند کسانی که چون یقین دارند در تاریخ‌نگاری هیچ‌گاه به مقام و مرتبه‌ای که آدمیت رسیده، نخواهند رسید، با وجود تأثیرپذیری از او، باز هم با او عناد می‌ورزند.

یاد آوری و خواہش مجدد

از مشترکین ارجمند سال گذشته بخارا و علاقمندان جدید خواہشمند است از راه لطف، و به منظور پشتیبانی از مجله‌ای که به زبان فارسی، فرهنگ و تحقیقات ایران‌شناسی اختصاص یافته است وجه اشتراک سالانه را قبل از پایان مرداد ماه پرداخت فرمایند.

مجله از درآمد اشتراک می‌پاید و امیدواریم دوستان به ماندگاری آن علاقه داشته باشند.